



مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v10i36.35330>



مقاله پژوهشی

مبانی حاکم بر اختلافات گمرکی در پرتو اصول حقوقی، اخلاقی و اقتصادی

مسعود ولی‌زاده فلکدهی^۱، بهنام حبیبی درگاه^۲، عباس پهلوان‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

واژگان کلیدی:

عدالت آیینی

دادرسی اختصاصی

اختلافات گمرکی

کمیسیون‌های حل اختلافات گمرکی

تخصص‌گرایی

زمینه و هدف: مسؤولیت اعمال حاکمیت در اجرای قوانین گمرکی و سایر قوانین و مقررات در ارتباط با صادرات و واردات، حمل و نقل بین‌المللی کالا، اخذ حقوق و عوارض گمرکی و مالیات‌های وابسته و ملزومات کاری و سهل و آسان کردن تجارت به عهده سامانه گمرک می‌باشد. اعمال حاکمیت دولت از جانب گمرک، ریشه کشمکش‌های میان شخص صاحب کالای تجاری از یکسو و گمرک به عنوان نهاد تقنینی - اجرایی از سوی دیگر می‌باشد. هدف از این مطالعه، بررسی مبانی حاکم بر رسیدگی به اختلافات گمرکی از منظر اصول حقوقی، اخلاقی و اقتصادی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری است و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات مربوطه، انجام گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: هنجارهای عالم حقوق به سمت اختصاصی شدن پیش می‌روند. به همین دلیل است که در حال حاضر ضرورت ایجاد می‌کند که در برخی موارد خاص که روابط میان تابعان حقوق بسیار فنی و اختصاصی می‌باشد، مراجع اختصاصی برای حل و فصل اختلافات ایجاد شود. در مراجع مزبور با در نظر گرفتن قواعد ماهوی که دارای سطح بالایی از فن و تکنیک می‌باشند، قواعد شکلی و آیین دادرسی اختصاصی طراحی و ارائه می‌شود و دادرسان، علاوه بر تسلط بر اصول و هنجارهای حقوقی، بر جنبه‌های فنی موضوع نیز احاطه نسبی دارند.

نتیجه‌گیری: مبانی دادرسی اختصاصی اختلافات گمرکی را می‌توان بر اساس دو معیار: ۱- «مبانی حقوقی - اخلاقی» شامل «عدالت آیینی» و «تخصص‌گرایی»؛ و ۲- «مبانی اقتصادی - اخلاقی» شامل «اصل دسترسی» و «کارآمدی» دانست.

* نویسنده مسؤول: بهنام حبیبی درگاه
آدرس پستی: ایران، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
کد پستی: ۳۱۴۹۹۶۸۱۱۱
پست الکترونیک:
Drhabibi1361@yahoo.com

۱. مقدمه

مسئولیت اعمال حاکمیت در اجرای قوانین گمرکی و دیگر قوانین و مقررات مرتبط با صادرات و واردات و حمل و نقل بین‌المللی کالا و اخذ حقوق و عوارض گمرکی و مالیات‌های وابسته و ملزومات کاری و سهل و آسان کردن تجارت به عهده سامانه گمرک می‌باشد. اعمال حاکمیت دولت از جانب گمرک، بالاخص از کانال تشخیص و اخذ حقوق گمرکی و همچنین اخذ قانونی و اعمال ممنوعیت‌ها و به اجرا درآوردن قوانین و مقررات وابسته به تخلفات گمرکی در واردات و صادرات همچنان ریشه کشمکش‌های میان شخص صاحب کالای تجاری از یکسو و گمرک به عنوان نهاد تقنینی - اجرایی از سوی دیگر می‌باشد.

از لحاظ زمان حادث شدن اختلافات گمرکی می‌توان آن‌ها را به دو گروه دسته‌بندی کرد: گروه اول، اختلاف گمرکی پیش از ترخیص کالا مانند اختلاف صاحب کالا و گمرک درباره ارزش گمرکی کالا در حین انجام تشریفات گمرکی که تاکنون منتهی به ترخیص کالا نشده است؛ گروه دوم آن دسته از اختلافات گمرکی را شامل می‌شود که پس از ترخیص کالا حادث می‌شود. در این رابطه، پس از ترخیص کالا، گمرک طبق ماده ۱۳۵ ق.ا.گ در مدت زمان شش ماه از تاریخ امضای پروانه یا پته گمرکی کالای مورد مذاکره، اقدام به صدور مطالبه‌نامه کسر دریافتی برای صاحب کالای ترخیص‌شده می‌کند و صاحب کالا طبق ماده ۱۳۸ ق.ا.گ در مدت سی روز از زمان ابلاغ مطالبه‌نامه، ادله اعتراض خود را به گمرک تحویل دهد و متعاقباً صاحب کالا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ رد اعتراض به وسیله گمرک، می‌تواند درخواست ارجاع پرونده به کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی را ارائه نماید.

ضرورت رعایت اصول سرعت و دقت در تجارت ایجاب می‌کند که این موضوعات اختلافی خیلی سریع و در کمال ظرافت حل و فصل شوند، هرچند اصل تساوی عموم مطابق قانون و مراجع

قضایی، اصل تفکیک قوا و عدم دخالت قوه اجرایی در امور قضایی، اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی، نظام دادرسی خارج از قوه قضاییه را قبول نمی‌کند، اما وجود بعضی مصالح و نیز افزایش نقش و عملکرد اجتماعی دولت‌ها و افزایش ارتباط بین دولت و شهروندان و احتمال ورود ضرر و خسارت به دیگران، نیاز به مراجع رسیدگی اختصاصی با اصول خاص رسیدگی را بیش از پیش مبرهن کرده است. از طرفی کمیسیون‌های بدوی و تجدید نظر به موجب مواد ۱۴۴ و ۱۴۶ قانون گمرکی مصوب ۱۳۹۰، در مشخص کردن تعرفه، ارزش کالا، جریمه‌ها به جز موضوع قاچاق گمرکی، قوه قهریه (فورس‌ماژور) و قوانین گمرکی، مسؤول رسیدگی به اختلافات گمرکی هستند که با آیین دادرسی تقریباً ساده‌ای این اختلافات را بررسی می‌کنند. حال پرسش اساسی که در این میان مطرح می‌شود، این است که مبانی اصلی در رسیدگی به اختلافات گمرکی کدامند؟ وقتی در عالم حقوق سخن از مبانی به میان می‌آید، مقصود اصول پایه‌ای می‌باشد که هنجارها و مقررات حقوقی بر اساس آن‌ها طراحی و ارائه شده‌اند. در واقع اصول مبنایی مزبور هستند که به پرسش‌های اساسی مانند چرایی لزوم وجود دادرسی‌های اختصاصی در ارتباط با اختلافات گمرکی و مبانی حاکم بر دعاوی مزبور پاسخ می‌دهند. مقصود از اصول مبنایی، اصولی هستند که ریشه اصلی قواعد و مقررات حقوقی محسوب می‌شوند و عموماً از نظر محتوایی وابسته به حوزه‌های اخلاق و حقوق می‌باشند.

در ارتباط با متغیر اصلی پژوهش حاضر، یعنی اختلافات گمرکی پژوهش‌های محدودی از سوی برخی نویسندگان صورت گرفته است که از میان آن‌ها تعداد انگشت‌شماری به اصول مبنایی اختلافات گمرکی اشاره داشته‌اند که در ادامه به اهم آن‌ها اشاره خواهیم داشت:

مقاله ولی رستمی و احمد خسروی تحت عنوان «حل و فصل اختلافات گمرکی و آیین دادرسی آن در حقوق ایران» در سال

۱۳۹۰ در فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، یکی از موارد مهم مالیات‌های غیر مستقیم، حقوق و عوارض گمرکی و حقوق ورودی است که در فرایند تشخیص و وصول این نوع مالیات‌ها، همواره احتمال وقوع اختلاف بین صاحب کالا و گمرک وجود دارد. حل این نوع اختلافات، به دلیل فوریت در مراجعی مجزا از دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود. از این رو برای جلوگیری از دادرسی‌های طولانی سعی می‌شود اختلافات طی تشریفات اداری، از طریق اداره گمرک حل و فصل شود. در غیر این صورت، وارد اولین مرحله رسیدگی شبه قضایی، یعنی کمیسیون بدوی رسیدگی به اختلافات گمرکی و سپس وارد مرحله دوم، یعنی کمیسیون تجدید نظر و پس از آن دیوان عدالت اداری می‌شود. در این مطالعه سعی شده فرایند رسیدگی این مراجع بر طبق اصول دادرسی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد (۱).

رساله میثم ابوطالبی تحت عنوان «اصول دادرسی عادلانه در نظام حقوقی رسیدگی به اختلافات گمرکی» در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شده است. از نظر نویسنده، حقوق گمرکی به عنوان مالیات (غیر مستقیم) یکی از منابع مهم درآمد دولت‌ها می‌باشد. در فرآیند وصول این درآمد، سازمان گمرک نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارد و وظیفه اخذ حقوق گمرکی از مؤدیان آن بر عهده این سازمان قرار داده شده است. در این میان وجود اختلافات میان مودیان و سازمان گمرک امری محتمل است که حل و فصل آن با توجه به ضرورت و اهمیت وصول حقوق گمرکی و نیز حقوق مودیان گمرکی لازم به نظر می‌رسد. بر این اساس قانون امور گمرکی کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی را به عنوان مرجع صلاحیت‌دار این اختلافات، تعیین کرده است. در فرآیند رسیدگی این کمیسیون‌ها رعایت اصول دادرسی عادلانه به عنوان یکی از مهم‌ترین قسم حقوق بشری لازم و ضروری است، چراکه الزامات بین‌المللی حقوق بشری تحت عنوان حق بر دادرسی عادلانه و رعایت حقوق مودیان گمرکی، لحاظ کردن

این اصول را در نظام حقوقی رسیدگی به اختلافات گمرکی لازم می‌شمارد. در این رساله سعی شده که اصول دادرسی عادلانه ضمن تشریح آن‌ها، در این نوع رسیدگی تبیین گردد. در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید عنایت داشت که مفاهیم حقوقی در پاسخ به نیازهایی که در فضای روابط میان تابعان حقوق می‌باشد، تعریف می‌شوند. از طرفی، اساساً عالم حقوق بدون حکومت قانون و عناصر آن، معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. لذا مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین مناسب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی، جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن، تناسب، برابری و عدم تبعیض و نهایتاً شفافیت (۲). از طرفی، وصف بارز حکومت قانون، شفافیت (Transparency) و قابل پیش‌بینی بودن (Predictable) می‌باشد. هر کجا که ویژگی شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن با خدشه مواجه می‌شود، در واقع حکومت قانون با چالش اساسی مواجه شده است. در هر نظام حقوقی عارضه‌های مختلفی مانند تزاخم، تعارض، اجمال و سکوت در بطن مجموعه قوانین وجود دارد، در نتیجه برای حل موارد مزبور، باید اصول مبنایی هر موضوع مشخص باشد تا بتوان چالش‌های پیش رو را حل کرد و برای نظام حقوقی و هنجارهای آن، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی ایجاد نمود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از حیث نوع، نظری است و روش آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات، انجام گرفته است.

۴. یافته‌ها

مرزبانی اقتصادی، اعمال حاکمیت دولت در اجرای مقررات گمرکی و الزامات فنی و تسهیل تجارت، حوزه‌ای تخصصی و با اهمیت بالا تلقی می‌شود. در سطح بین‌المللی، سازمان جهانی گمرک عنوان یک مرجع بین‌المللی تخصصی را به خود اختصاص داده است. در سطح ملی نیز سازمان گمرک ایران متولی امور مربوطه می‌باشد و بر همین اساس، ضروری است که رسیدگی به اختلافات گمرکی، توسط افراد و مراجع تخصصی رسیدگی شود، چراکه هرگونه ضعف دانش و تخصص رسیدگی‌کنندگان به اختلافات گمرکی، ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد و ضمن اطلاع دادرسی اختلافات گمرکی، ایجاد زمینه سوءاستفاده توسط افرادی که به مقررات و دانش تخصصی گمرکی تسلط دارند نیز متصور است. با در نظر گرفتن این مسأله به نظر می‌رسد، مبانی دادرسی اختصاصی اختلافات گمرکی را می‌توان بر اساس دو معیار: ۱- «مبانی حقوقی - اخلاقی» شامل «عدالت آیینی» و «تخصص‌گرایی»؛ ۲- «مبانی اقتصادی - اخلاقی» شامل «اصل دسترسی» و «کارآمدی» تقسیم‌بندی نمود.

۵. بحث

در این قسمت، ابتدا دادرسی اختلافات گمرکی را از نظر معنی لغوی مورد بحث قرار می‌دهیم و بعد، مبانی حاکم بر دادرسی اختلافات گمرکی را مورد بررسی و توجه قرار می‌دهیم و در این گذر در دو قسمت جداگانه، مبانی ذکرشده طبق دو معیار

«مبانی حقوقی - اخلاقی» و «مبانی اقتصادی - اخلاقی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم‌شناسی: در ابتدای بحث لازم است، مفاهیم پایه‌ای پژوهش به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱-۱. تخلفات گمرکی، اختلافات گمرکی: قانون امور گمرکی توضیحی پیرامون تخلفات گمرکی مطرح نکرده است. از نظر سازمان جهانی گمرک تخلف گمرکی یا Customs Offence عبارت است از «هرگونه نقص یا مبادرت به نقض قانون گمرک». باید دانست که تعریف بیان‌شده به وسیله سازمان جهانی گمرک قاچاق گمرکی را نیز شامل می‌شود. در قانون موافقت‌نامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا درباره همکاری دوجانبه اداری جهت جلوگیری، پژوهش و مبارزه با تخلفات گمرکی، در بند «ه» ماده ۱، «تخلف گمرکی»، نقض یا سعی در نقض قانون گمرکی تعریف شده است. بر این اساس، تخلف، عام‌تر از قاچاق گمرکی می‌باشد و قاچاق و تخلفات خاص گمرکی را مشتمل می‌شود.

به نظر می‌رسد در مقام تعریف مبسوط می‌توان عنوان کرد که تخلف گمرکی به هر نوع نقض یا شکستن قوانین گمرکی، چه ضرر و زیان برای دولت به همراه داشته باشد، چه نداشته باشد و منصرف از تعریف قاچاق، گفته می‌شود و نیز باید اذعان داشت که در تعریف بیان‌شده به وسیله سازمان جهانی گمرک، مقصود و مراد از «قانون گمرکی» تنها امور گمرکی نبوده، بلکه تمامی قوانین لازم‌الاجرای گمرکی را شامل می‌شود.

بر این اساس، کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های دوطرفه اداری جهت پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی در ماده نخست، مفهوم کلمات «تخلف‌کردن»، «تقلب گمرکی» و «قاچاق» را از یکدیگر جدا نموده است.

آیین رسیدگی به تخلفات گمرکی و مراجع رسیدگی‌کننده به آن خصوصی می‌باشد. در حقیقت مراجع رسیدگی به اختلافات

گمرکی، کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی می‌باشد که در رده دادگاه‌های اختصاصی اداری به حساب می‌آید (۳). در مورد اختلافات گمرکی باید گفت، معنی لغوی اختلاف، نبودن اتحاد و سازش می‌باشد و چون گمرک موظف به اعمال حاکمیت و اجرای قوانین گمرکی می‌باشد، در نتیجه به وجود آمدن اختلاف و پیچیدگی میان گمرک و صاحب کالا مسأله‌ای بعید نیست؛ نباید از نظر دور داشت که بعضی از اختلافات در واقع ناشی از بحث تحقق یا عدم تحقق قاچاق کالا می‌باشد که این بحث خارج از قلمرو پژوهش حاضر است. تعریفی جامع و مانع از اختلافات گمرکی در قانون امور گمرکی بیان نشده است. از لحاظ زمان وقوع اختلافات گمرکی می‌شود آن را به دو گروه طبقه‌بندی کرد: گروه اول، اختلاف گمرکی پیش از ترخیص و خروج کالا، مانند اختلاف صاحب کالا و گمرک در رابطه با ارزش گمرکی کالا هنگام انجام تشریفات گمرکی که هنوز به ترخیص کالا منجر نشده است؛ و گروه دوم، که در ارتباط با اختلافاتی می‌باشد که پس از ترخیص کالا رخ می‌دهد. برای مثال پس از ترخیص کالا، گمرک مطابق با ماده ۱۳۵ ق.ا.گ در موعد زمانی شش ماه از تاریخ امضای پروانه یا پته گمرکی کالای مورد نظر، مطالبه‌نامه کسر دریافتی برای صاحب کالای ترخیص‌شده را صادر می‌کند. در این مرحله صاحب کالا ممکن است نسبت به مبلغ مورد مطالبه اعتراض داشته باشد. به عبارت دیگر میان گمرک و صاحب کالا اختلاف ایجاد می‌شود. در اینجا صاحب کالا می‌تواند در مدت سی روز از زمان ابلاغ مطالبه‌نامه مطابق ماده ۱۳۸ ق.ا.گ دلایل اعتراض خود را به گمرک اعلام نماید. چنانچه گمرک تقاضای مزبور را دوباره مورد بررسی قرار دهد و آن را غیر موجه تشخیص دهد، صاحب کالا می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نظر گمرک، درخواست ارجاع پرونده به کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی را ارائه نماید.

۵-۱-۲. مراجع اختصاصی اداری، مراجع حل اختلافات گمرکی: عالم حقوق اساساً مجموعه‌ای از هنجارها می‌باشد که رسالت اصلی آن تنظیم روابط میان افراد است. در این فضا، حل و فصل اختلافات میان تابعان حقوق یک مسأله بسیار چالشی و مهم تلقی می‌شود. در حوزه موضوعات راجع به حل و فصل اختلافات و مراجع رسیدگی‌کننده به اختلافات اصول مبنایی مهمی تحت عنوان اصول عدالت وجود دارد.

یکی از این اصول مبنایی، اصل برابری می‌باشد. اصل برابری دارای جنبه‌های مختلفی است. معنای اصل مزبور در فضای مراجع حل و فصل اختلافات این است که اصولاً اختلافات میان افراد جامعه باید در مراجع عمومی حل و فصل شود. به تعبیری رسیدگی به اختلافات در مراجع اختصاصی یک وضعیت استثنایی محسوب می‌شود، در نتیجه باید گفت که چنانچه در یک نظام حقوقی اختلافات نزد مراجع اختصاصی حل و فصل شوند، اصولاً نظام حقوقی مزبور با مبانی عدالت فاصله دارد.

در حال حاضر با حاکم شدن فضای پست مدرنیسم بر روابط تابعان حقوق، پیچیدگی و ظرافت زیادی در هنجارهای حقوقی ایجاد شده است. در فضای مزبور با توجه به وجود متغیرهای مختلف، طبقات مختلفی از روابط ایجاد شده است که این طبقات از حیث ماهیت و ویژگی‌ها با یکدیگر متفاوت می‌باشند. با در نظر گرفتن این موضوع، هنجارهای حقوقی عام ظرفیت تنظیم روابط همه طبقات مختلف را ندارند.

نتیجه این امر آن است که هنجارهای عالم حقوق به سمت اختصاصی شدن پیش می‌روند. به همین دلیل است که در حال حاضر ضرورت ایجاد می‌کند که در برخی موارد خاص که روابط میان تابعان حقوق بسیار فنی و اختصاصی می‌باشد، مراجع اختصاصی برای حل و فصل اختلافات ایجاد شود.

در مراجع مزبور با در نظر گرفتن قواعد ماهوی که دارای سطح بالایی از فن و تکنیک می‌باشند، قواعد شکلی و آیین دادرسی اختصاصی طراحی و ارائه می‌شود و دادرسان نیز علاوه بر

تسلط بر اصول و هنجارهای حقوقی، بر جنبه‌های فنی موضوع نیز احاطه نسبی دارند (۴).

مراجع اختصاصی برای حل و فصل اختلافات به دو دسته کلی مراجع دادگستری و غیر دادگستری تقسیم می‌شوند. مقصود از مراجع دسته اول، مراجعی می‌باشد که در تشکیلات قوه قضاییه وجود دارند، مانند دادگاه خانواده. اما مقصود از مراجع اختصاصی خارج از تشکیلات قوه قضایی، مراجعی می‌باشد که در ارتباط با کارکردهای نهادهای کشوری تشکیل می‌شوند، مانند کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها (۵).

این دسته از مراجع در ادبیات نویسندگان حقوق تحت عنوان مراجع شبه‌قضایی یا مراجع قضاوتی اداری و یا مراجع قضایی غیر دادگستری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. دادگاه‌های اختصاصی اداری، مراجعی اداری با صلاحیت ترافعی هستند که به موجب قوانین خاص در خارج از سازمان رسمی قضایی و محاکم دادگستری و عموماً به عنوان واحدهای نسبتاً مستقل، ولی مرتبط به ادارات و سازمان‌های دولتی یا مؤسسات عمومی غیر دولتی تشکیل شده‌اند و صلاحیت آن‌ها منحصر به رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره اختلافات، شکایات و دعاوی اداری مانند دعاوی استخدامی، انضباطی، مالی، ارضی و ساختمانی می‌باشد که معمولاً زمان اجرای قوانین خاص حکومتی و عمومی همانند قانون شهرداری‌ها، قانون کار، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون استخدام کشوری و دیگر قوانین که هدفشان توسعه اقتصادی و اجتماعی در جهت افزایش ارتقای سطح خدمات عمومی و سود همگانی می‌باشد، بین سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) و افراد (اشخاص حقوق خصوصی) به وجود می‌آید و مطرح می‌گردد؛ در واقع این دادگاه‌ها در زمره مراجع شبه‌قضایی دسته‌بندی می‌شوند (۶).

می‌توان گفت اساسی‌ترین خصوصیت‌های این مراجع به شرح زیر می‌باشد:

- دادگاه بودن: چون صلاحیت ترافعی دارند و به دعاوی، شکایات، تظلمات و اختلافات رسیدگی کرده و رأی لازم را به سود یکی از طرفین صادر می‌نمایند.

- دادگاه اداری بودن: به این دلیل که اولاً به سازمان و تشکیلات اداری و عمومی وابسته می‌باشند؛ ثانیاً در اغلب موارد در یک طرف دعوی، لافل یکی از نهادهای اجرایی و اداری وجود دارد؛ ثالثاً در زمینه دعاوی خاص اداری که در اجرای مقررات ویژه عمومی به وجود می‌آیند رسیدگی کرده و صلاحیت عام دارد (۷).

مواد ۱۴۴ و ۱۴۶ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، به صراحت بیان می‌دارد: مرجع رسیدگی به اختلافات گمرکی در مشخص کردن تعرفه، ارزش کالا، جریمه‌ها به جز موارد قاچاق گمرکی، قوه قهریه (فورس‌ماژور) و مقررات گمرکی، کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی می‌باشد.

۵-۲. مبانی حقوقی - اخلاقی: در این قسمت، مبانی حقوقی - اخلاقی دادرسی اختلافات گمرکی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۲-۱. مبنای عدالت آیینی: انسان موجودی اجتماعی است، در نتیجه در ارتباطات اجتماعی و روزمرگی خود امکان دارد با دیگر افراد دچار تعارض منافع باشد، لذا اختلافات گوناگونی به وجود می‌آید. برخی از این اختلافات به شکل غیر رسمی حل و فصل می‌شوند و قسمتی دیگر از آن‌ها به طور رسمی با ارجاع به دادگاه، لیکن آنچه موفقیت هر دو روش را تبیین می‌کند، این است که آیا نتایج کسب‌شده مورد قبول مردم به شکل کلی و مراجعه‌کنندگان به دادگستری، به شکل خاص قرار خواهد گرفت یا خیر.

به وجود آمدن نهادها، وضع قواعد حقوقی و کامل کردن آن‌ها برای رفع و حل اختلاف‌ها به آیین دادرسی نیازمند می‌باشد. آیین دادرسی به عنوان یک راهکار عمل می‌کند و به درستی از نتیجه به دست‌آمده جدا می‌باشد (۸).

در حقیقت آیین دادرسی، قوانین و مقرراتی است که نحوه بررسی و مراجع رسیدگی‌کننده به این مسائل و اختلافات را تعیین می‌کند. به طور مثال، آیین دادرسی نحوه بررسی به اختلافات مردم با دستگاه‌های دولتی و عمومی که نشأت گرفته از اعمال حاکمیتی و روابط مرتبط با حقوق عمومی می‌باشد را نشان می‌دهد.

برای بررسی نتایج و آیین‌های رسیدگی دو روش موجود است. دانشمندان حقوق با به کاربردن معیارهای نوعی مثل نظریه‌های اجتماعی و قواعد اخلاقی به این کار می‌پردازند و دانشمندان رفتارگرا نیز اقدام به مطالعه و بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از مردم می‌کنند که معیاری شخصی می‌باشد (۹).

با به وجود آمدن مشکلات زیادی در نظام حقوقی مثل افزایش هزینه و ناکارآمدی دادگستری در واقع عناصر حکمرانی مطلوب با چالش اساسی مواجه می‌شود، به همین سبب نویسندگان حقوقی و جامعه‌شناسان این نتیجه را کسب کردند که بهتر است به اطلاعات روان‌شناسی نیز توجه شود. از این جهت، «John Tibo» روان‌شناس و «Lawrence Walker» استاد حقوق، در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای مشترک به نام «عدالت آیینی» این مسأله را مورد بررسی قرار دادند که چرا مردم نتیجه‌های کسب‌شده از دادرسی‌ها را پذیرا نیستند (۱۰).

برابری نزد قانون عنوان اصول مبنایی قابل قبول است، هرچند رسیدن به آن با سختی همراه بوده، ولی ممتنع نیست. در حقوق دادرسی، لازم بودن ضمانت برابری میان اصحاب دعوا در جریان رسیدگی به آن، یعنی برابری آیینی طرفین دعوا، در زمره شروط اصل کلی‌تر، یعنی برابری مردم در جامعه می‌باشد. امروزه، در فلسفه حقوق دادرسی نیز پژوهشگران زیر عنوان «عدالت آیینی» یا عدالت از طریق آیین دادرسی به بنیادهای حقوق دادرسی و تأثیر مبانی سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر فرآیند دادرسی عادلانه می‌پردازند. باید این را بدانیم که

طرفین دعوا در حقوق دادرسی از نظر آیین دادرسی یکسان باشند (۱۱).

از جمله مصداق‌های برابری آیینی، تبعیض قائل‌نشدن طبق ملیت یا تابعیت می‌باشد که در دادرسی اختلافات گمرکی هم می‌تواند نشان داده شود. به طور مثال ماده ۴ تصویب‌نامه ۱۶۹۵۲ مصوب ۱۳۴۰ در ارتباط با تأسیس انبارهای عمومی، انبارهای عمومی را مأمور حفاظت و نگهداری کالا و تأمین خسارت وارد شده، البته تا میزان ارزشی که برای کالا در زمان سپردن تخمین زده‌اند، می‌دانند؛ اما خسارت ناشی از خود کالا و ایرادی که زمان بسته‌بندی کردن ایجاد شده و قوه قاهره (فورس‌ماژور) را استثنا کرده است. طبق مواد ۲۵ و ۲۶ قانون امور گمرکی به غیر از موارد آتش‌سوزی، انفجار، قوه قهریه و خسارتی که به علت بدی بسته‌بندی و کیفیت کالا، هنگامی که کالا در انبار باشد و خسارت ببیند، مرجع تحویل‌گیرنده، مسؤول این امر در نظر گرفته شده و باید خسارت را پرداخت نماید (۱۲). مرجع رسیدگی به اختلافات گمرکی و من‌جمله اختلاف در تشخیص قوه قاهره (فورس‌ماژور) به صراحت ماده ۱۴۴ قانون امور گمرکی، کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی می‌باشد، در صورتی که کالایی که در انبار موجود هست به یک شخص مسافر که ملیتی ایرانی ندارد متعلق باشد و در مدتی که در انبار بوده، خسارتی به کالا وارد شود و میان صاحب کالا و مرجعی که کالا را تحویل گرفته، در زمان فورس‌ماژور اختلافی یا مشکلی به وجود بیاید، کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی که مسؤول بررسی این مشکل می‌باشد، به دلیل تابعیت صاحب کالا نباید بین طرفین تبعیض قائل شود.

داعیه عدالت آیینی این است که چنانچه آیین دادرسی طبق عدالت باشد، مردم بدون توجه به حقیقت نتیجه به دست آمده آن را پذیرا هستند (۱۳). راضی بودن و رضایت از آیین دادرسی و نتیجه کسب‌شده به عدالت توزیعی و آیینی بستگی دارد. بر این اساس، نتایج عدالت آیینی بر این اصول پایدار و

شخص در یک یا چند مورد مشخص تخصص داشته باشد و سایرین از تخصص و تبحر او بهره‌مند شوند.

زمانی که در جامعه هر شخصی در یک رشته متخصص باشد، تمامی نیازهای اجتماع رفع می‌شوند و این یک اصل مبرهن عقلایی است. تخصص‌گرایی همراه با تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ها و به طور کلی با پیچیدگی‌های فرهنگی جامعه‌ها مستقیماً در ارتباط است، تا جایی که از آن به عنوان یکی از عوامل اساسی در اقتصاد سیاسی کشورهای مدرن یاد می‌کنند (۱۵).

متخصص، شخصی است که کل وقت یا قسمتی از آن را به فعالیت مخصوصی می‌پردازد و به عمل یا کار مخصوصی که با زندگی مادی و معنوی شهروندان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) مرتبط است، مشغول می‌باشد. خصوصیات نظام دموکراسی، پاسخگویی همیشگی حکومت‌ها در مقابل حق تقدم‌ها و نیازهای شهروندان است. بافت سیاسی جوامع متمرکز، تخصص‌گرایی را توسط افزایش بازدهی در تولید، سهل و آسان می‌کند (۱۶).

ارگان‌هایی که پایه و اساس آن‌ها بر تخصص‌گرایی استوار باشند، زمینه اولیه کمال‌گرایی را شامل می‌شوند. اگر هر ارگان و یا نهادی این‌گونه خصیصه‌ای را نداشته باشد، عملکرد آن دچار لغزش و خطا می‌شود و افراد آن جامعه به شغل‌های کاذب روی می‌آورند (۱۷). نظرات و دیدگاه نویسندگان شاهدی بر این بیان است که متنوع‌بودن کالاهای تولیدی و صادراتی یک ملت تأثیر گرفته از علم و دانش و گرایش به متخصص‌بودن می‌باشد (۱۸).

مهم‌بودن گرایش به تخصص‌گرایی تا جایی است که یکی از پژوهشگران به مطالعه و تحقیق الگوهای تخصص‌گرایی در تجارت و بهره‌برداری در کشورهای چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی مشغول شد و درک کرد که تفاوت مهمی در الگوهای تخصص‌گرایی و بهره‌وری صادرات کشورها با درآمد سرانه مشابه موجود هست (۱۹).

پابرجاست تا مردم این اجازه را داشته باشند که ادله خود را ارائه داده و درباره آن سخن بگویند؛ و شرکت کردن آنها در تضمین مؤثر باشد. کسی که به عنوان شخص ثالث وظیفه رسیدگی به اختلاف را دارد باید عادل باشد و نسبت به طرفین دعوا بی طرف باشد تا به راحتی اطمینان آنها را به دست بیاورد تا اینکه به وی اعتماد نمایند.

به عقیده برخی، این بحث‌ها غالباً نشأت گرفته از آینده‌نگری «شرط آیین دادرسی منطبق با قانون» در قانون اساسی ایالات متحده امریکا است. در این موضوع هر چند شرط آیین دادرسی منطبق با قانون از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما یکی از آرای دادگاه ایالت نیواورلئان در این کشور، معیارها و نتایج حداقلی عدالت آیینی را به طور کلی این چنین تعبیر کرده است: «شرط آیین دادرسی منطبق با قانون از منظر دادرسی مستلزم انجام ابلغ و رعایت فرصت مورد استماع قرارگرفتن، مطابق قواعد مسلم، در فرآیند منظمی است که با توجه به طبیعت آن پرونده اتخاذ شده است؛ این استماع باید عادلانه باشد و نزد دادگاهی صالح و مستقل انجام گیرد» (۱۴).

در مذاکره دادرسی اختلافات گمرکی نیز رعایت عدالت آیینی به هر شکل از مهم‌ترین مبانی می‌باشد که قانونگذار باید به آن توجه کند، زیرا رعایت اصول دادرسی عادلانه در این دادرسی به علت پیگردهای گوناگون حقوقی و اقتصادی که برای شخص و جامعه وجود دارد، موضوع و اصل مهم و غیر قابل انکار است.

۲-۲-۵. **مبنای تخصص‌گرایی:** تخصص‌گرایی که در عصر حاضر از ملزومات زندگی اجتماعی به حساب می‌آید، به عنوان یک اصل عقلایی قابل قبول می‌باشد و علت آن، این است که عمر انسان کوتاه و محدود است و اینکه توان فکری نیز چنین می‌باشد، در همه موضوعات علمی و تخصصی نمی‌تواند تبحر داشته باشد، لیکن به لحاظ عقلایی نیکوتر است هر

«قلمرو امور گمرکی» قلمروی مهم و تخصصی شناخته می‌شود که در سطح بین‌الملل، سازمان جهانی گمرک به عنوان یک مرجع بین‌المللی تخصصی به آن می‌پردازد. در سطح ملی هم سازمان گمرک مسؤول و سرپرست امور مربوطه است و هم‌اکنون در دانشگاه‌ها و مراکز عالی و آموزشی رشته تحصیلی مشخصی را هم مختص خود قرار داده است.

طبق همین اصل، رسیدگی و بررسی اختلافات گمرکی باید به وسیله اشخاص و مراجع تخصصی صورت گیرد، زیرا اگر تخصص در این کار وجود نداشته باشد، اختلافات امکان دارد صدمات غیر قابل جبرانی را به بار بیاورد. به علاوه سرگشتگی و طولانی‌شدن، امکان سوءاستفاده کسانی که بر قوانین و مقررات مسلط هستند را فراهم می‌کند. در نتیجه بند «س» ماده ۳ قانون گمرکی به روشنی بیان کرده، بررسی و رفع کردن اختلافات نشأت‌گرفته از اجرای قانون گمرکی در میان گمرک و صاحب کالا طبق قوانین و مقررات از وظایف و اختیارات گمرک ایران، است.

در این زمینه، برای نمونه موافقت‌نامه مادرید درباره پیشگیری از نصب نشانه‌های منبع غیر حقیقی یا گمراه‌کننده بر کالا مصوب ۱۸۹۱ که ایران نیز عضو آن بوده است، در بند ۱ ماده اول قید کرده است: «تمامی کالاهای شامل نشانه غیر واقعی یا گمراه‌کننده که توسط آن نشانه، یکی از کشورهایی که این توافق‌نامه درباره آن‌ها اعمال می‌شود و یا مکانی که آن کشورها در آن وجود دارد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به عنوان کشور یا مکان مبدأ شناخته شده است، زمان وارد شدن به هر کدام از کشورهای ذکر شده، ضبط خواهد شد (۱۲). همچنین بر اساس بند ۲ ماده نخست توافق‌نامه لیسبون جهت حمایت از علامت‌های منبع و ثبت بین‌المللی آن‌ها، کشورها متعهد می‌شوند که از لیست اسامی مبدأ محصولات بقیه کشورهای اعضای اتحادیه ویژه که به این عنوان در کشور مبدأ رسمی شده و تحت حمایت قرار دارند و در دفتر بین‌المللی مالکیت فکری موضوع کنوانسیون تأسیس سازمان

جهانی مالکیت فکری به ثبت رسیده است، در حوزه خود حمایت کنند. واضح است که بهترین و آسان‌ترین حمایت و پشتیبانی از اسامی مبدأ محصولات بقیه کشورهای عضو را می‌شود در اصول رسمی ورودی کشور که گمرک‌خانه‌های اعضای کشورهای مستقر می‌باشند، به عمل آورد (۱۲).

روشن و بدیهی است که قواعد مبدأ یک امر خاص و تخصصی می‌باشد که ماده ۱۷ قانون گمرکی و مواد ۲۴ الی ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون گمرکی به آن می‌پردازد و در نتیجه واجب است که اجراکنندگان قانون و به تبع آن رسیدگی‌کنندگان به اختلافات به دست‌آمده از اجرای مقررات ذکر شده از دانش و تخصص کافی و لازم برخوردار باشند.

در نتیجه بر اساس اصل تخصص‌گرایی، روشن است که رسیدگی و بررسی به اختلافات گمرکی به علت درهم پیچیدگی‌های علمی و قانونی و البته تخصصی بودن رسیدگی‌های ماهوی، باید در مراجع اداری اختصاصی که شرکت‌کنندگان آن از اشخاص متبحر و عالم و متخصص در امور گمرکی هستند، منظور شوند.

۳-۵. مبانی اقتصادی - اخلاقی: پس از بیان مبانی حقوقی - اخلاقی، در این قسمت به ذکر دو مبانی با اهمیت و مهم دادرسی اختلافات گمرکی از جهت اقتصادی توجه خواهیم کرد و در این جهت، مبانی «دسترسی» و «کارایی» را مورد مطالعه و موشکافی قرار می‌دهیم.

۳-۵-۱. مبانی دسترسی: خط و مشی اقتصادی به دادرسی باعث متوقع شدن از سیستم عدالت مدنی و جامع‌نگری در خدمات قضایی شده است. مهم جلوه‌دادن وجوه اجتماعی دادرسی و توجه به نقش دادرسی در سلامت و برتری سیستم اداری، نشأت‌گرفته از مطالعات بین رشته‌ای و فرارشته‌ای می‌باشد (۱۹). در اکثر اسناد حقوق بشری مانند ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به اصل ذکر

شده اشاره می‌کند. در حقوق ملی هم طبق اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم و ثابت شده هر شخص می‌باشد و هر شخصی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند.

تمامی افراد یک ملت این حق را دارند که این مدل دادگاه‌ها در دسترسشان باشد و نمی‌توان مراجعه کسی را به دادگاهی که حق مراجعه به آن را دارد ممنوع کرد. بر طبق این اساس حکومت باید امکانات و تمهیدات لازم و کافی را برای اینکه تمام شهروندان دسترسی به دادرسی عادلانه را داشته باشند فراهم کند. اصل دسترسی به دادگاه یکی از مشخصه‌های دادگستری فعال بوده و از معیارهای اجتماعی به حساب می‌آید. اصل دسترسی به دادگستری شامل مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی در راستای ارائه خدمات قضایی و دست‌یافتنی و مؤثر می‌باشد (۲۰).

در تفسیر اصل اخیر گروهی از آن به تساوی در دسترسی به تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دستگاه قضایی، به نحو عاقلانه و شناخته‌شده تعبیر داشته‌اند (۲۱). دسته‌ای دیگر هم مقصود از اصل دسترسی به دادگاه و دادگستری را پوشیده در رایگان بودن می‌دانند و از اصل دسترسی رایگان به دادگستری سخن گفته‌اند (۲۲).

عده‌ای از دکتربین حقوق دادرسی مدنی هم به اعتبار نتیجه دادخواهی، اصل دسترسی به دادگستری را ضامن مقصود عادلانه و دسترسی به جبران و تلافی مناسب در برآیند دادرسی مدنی، محاسبه نموده‌اند (۲۳).

اصل بنیادین به معنای توان مراجعه به دادگاه، امور مهمی مانند حق دسترسی به قاضی، حق فهم پدیده حقوقی به زبان ساده، حق آگاه‌سازی شهروندان و به خصوص دادخواهان، حق بر دادگستری سریع و ارزان و حق بهره‌مندی از معاضدت حقوقی و قضایی را شامل می‌شود (۲۴).

یکی از برجسته‌ترین مسائل، دسترسی سهل و راحت به نظام دادرسی مدنی می‌باشد. عده‌ای دسترسی سهل به دادگستری

را یکی اشکال دموکراسی آیینی ذکر کرده‌اند (۱۹). یکی از مصداق‌های درستی اصل دسترسی را می‌شود «روش دسترسی» به حساب آورد. به طور مثال در مورد پژوهش حاضر، از آنجا که طبق بند «ح» ماده ۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، پیش‌بینی و مهیا کردن زیرساخت‌های مورد نیاز برای اجرا و برقراری سامانه‌ها و شیوه‌های جدید از جمله وظایف و اختیارات گمرک می‌باشد و همچنین طبق ماده ۹ این قانون گمرک وظیفه دارد که وسایل و امکانات به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات را با مراقبت و رعایت قوانین تجارت الکترونیک و مدیریت خدمات کشوری در اجرای وظایف خود مهیا کند، در نتیجه سامانه تجاری فرامرزی EPL از سال ۱۳۹۳ در گمرک کشور ما اعمال شد و تسلیم اظهارنامه و انجام تشریفات گمرکی از طریق سامانه ذکر شده اجرا می‌شود.

به واسطه اینکه کمیسیون رسیدگی به اختلافات تنها در ستاد گمرک ایران برقرار است و در گمرکات اجرایی شعبه‌ای ندارد، در نتیجه در جهت اجرایی کردن و دادرسی الکترونیکی، امکان طرح و پیگیری موضوعات در ارتباط با کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی و تبادل الکترونیکی اسناد و از طریق الکترونیکی هم یکی از نشانه‌های اصل دسترسی به دادرسی در قلمرو بحث حاضر می‌باشد.

اصل دسترسی به دادگستری و عدالت، نوعی مبنانگاری جهت طراحی نظریه عمومی دادرسی مدنی ایران به شمار می‌رود، چراکه فرضیه ارگان‌های خصوصی حل اختلاف، طراحی آیین دادرسی، متناسب با ماهیت و نوع ادعاها به جای آیین دادرسی عام و بی‌فایده، گردآوری و تنقیح قوانین و مقررات دادرسی با توجه به قوانین حاضر و با هدف روشن کردن تقنینی و بالابردن سطح عقلانیت و مدیریت دادرسی و جز آن، همگی محتاج توجه به مبانی و عملکردهای اصل اخیر می‌باشد (۱۹). از این دیدگاه می‌شود تدوین آیین دادرسی ویژه رسیدگی به ادعاهای گمرکی را با توجه به ذات و اصل

خصوصیت‌های خاص این نوع دعاوی مورد توجه و عنایت قرار داد.

طریقه و روش دادخواهی از منطق اقتصادی بهره‌مند می‌باشد (۲۵). نشانه‌های اقتصادی دسترسی به دادگستری و عدالت را باید در درونی‌کردن هزینه‌های دادرسی، طراحی الگوهای دادرسی به درستی فرضیه انتخاب دادخواهی و در نهایت رشد ناخالصی ملی از طریق کنترل و هدایت درست اختلافات (بالقوه یا بالفعل) تلقی نمود.

نتایج حقوقی دسترسی به عدالت را نیز باید از منظر بازیگران دادرسی و مدیریت قضایی، به صورت مجزا در نظر گرفت. از نقطه نظر بازیگران دادرسی، این امر باعث پذیرفتن رأی، ایجاد رضایت و اعتماد به حکمرانی دولت، فرهنگ دادرسی و جز آن می‌شود. در گستره مدیریت قضایی هم نقش پراکنش عقلانی پرونده‌های قضایی و نقش پرونده‌های مدنی در راستای باز تخصیص منابع قضایی، طرح‌ریزی مهندسی فرهنگی دادرسی، تشویق دادرسی‌های قراردادی و اموری مانند این‌ها، از نتایج حقوقی توجه به اصل دادرسی است (۱۹).

در موضوع مورد تحقیق کنونی نیز مختص بودن دادرسی در دعاوی گمرکی را از جهت اقتصادی بر اساس اصل دسترسی می‌توان توجیه نمود، زیرا تجار و کسانی که به سازمان گمرک مراجعه می‌کنند از نظر اقتصادی، وقت و هزینه برای آن‌ها معنای به خصوصی دارد و در بینش محاسبه‌گرانه، حتماً وجود محاکم اداری و رسیدگی به دعاوی گمرکی را از نظر اقتصادی به سود خود می‌دانند، در ضمن از بعد کلان نیز این امر می‌تواند نتایج اقتصادی مثبت داشته باشد.

با عنایت به ماده ۲۰۹ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، کمیسیون‌های رسیدگی به دعاوی گمرکی برای رسیدگی به پرونده‌های مورد اختلاف با التفات به قوانین مربوط به آیین دادرسی مدنی زمان رسیدگی را جهت حضور مؤدی یا نماینده وی ابلاغ می‌کنند.

شرایط خاص حاکم بر تجارت بین‌المللی و ضرورت مراعات اصل سرعت در عمل و اصل دقت در تجارت به صورت عام و اختلافات گمرکی به صورت خاص ایجاب می‌کند که ضرورت طرح‌ریزی آیین دادرسی خاص به تناسب ماهیت و نوع اختلافات گمرکی مورد توجه قرار گیرد.

موضوعی که در سند تحول قضایی شماره ۱۳۹۲/۹/۳۰ مورخ ۱۰۰/۱۳۹۲۳۵/۹۰۰۰ رییس قوه قضاییه نیز مورد تأیید قرار گرفت و از جمله مأموریت‌های قوه قضاییه تألیف و پیگیری تصویب آیین‌های دادرسی تخصصی با اولویت آیین دادرسی تجاری مقدر شده است.

۵-۳-۲. مبنای کارآیی: عدالت و نظم دو غایت اصلی از تنظیم و وضع قانون و قواعد در حقوق می‌باشد. نظم، اساس منطقی و عقلایی دارد و غالباً بر مبنای اصول و مبانی اعتقادی و ذهنی افراد جامعه استقرار می‌یابد. هر دو غایت عدالت و نظم با محدودیت همراه هستند. نمی‌توان به عدالتی پایبند بود که لاقط در درازمدت، نظم را بی‌اهمیت شمرد. علاوه بر آن کنترل امور بدون رعایت عدالت در میان جامعه قابل قبول نیست. بسیاری از قواعد و مقررات هستند که متروک شده‌اند و عدم توجه مردم به اجرای آن‌ها موجب عدم تطبیق با اهدافی است که جمعاً در وضع و اجرای قواعد حقوقی لازم است لحاظ شوند. در این صورت قواعد، متروک شده و از بین می‌روند و جامعه نظم و عدالت را آن‌گونه که شایسته است معنا و اجرا نخواهد کرد (۲۶).

چالش میان عدالت با کارایی همواره ریشه اختلاف بوده است و دادرسی اختلافات گمرکی نیز از این امر جدا نمی‌باشد، اما تجزیه و تحلیل اقتصادی فرآیند دادرسی مدنی برطبق هزینه‌های اقامه دعوا به جهت بالابردن کارایی و کیفیت دادرسی و بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی است؛ در صورتی که دادرسی کارآمد از جمله ضمانت اجرای عدالت مدنی است (۲۶).

پیش‌بینی حل و فصل دعاوی در زمانی منطقی و متعارف، بر کارآمدی دادرسی تأکید شده است.

تعریف و مشخص کردن معیار کارآمدی دغدغه سنتی اقتصاد رفاه می‌باشد (۲۷). در کنار اقتصاد کوچک که به رفتار عوامل اقتصادی در بازار و به عملکرد بازار می‌پردازد، نقش اقتصاد رفاه، گسترش سنجش‌ها برای ارزیابی مقررات و نظامات اقتصادی است (۲۸).

اقتصاد رفاه دارای دو عنصر ثبوتی و هنجاری است. از یکسو در پی تشریح چگونگی تأثیر روندهای اقتصادی و نظام مقررات اقتصادی در روند توسعه اقتصادی یک کشور است و از سوی دیگر به ارزیابی وضعیت‌های اجتماعی می‌پردازد. همچنین به دنبال بررسی آثار ناشی از یک عمل خاص در افزایش یا کاهش رفاه است. لازم به ذکر است که در هر بخش از حقوق، از جمله وضع قاعده یا اجرای آن که بحث نظم حقوقی مطرح می‌شود، مفهوم کارآمدی جایگاه اساسی دارد و باید آن را شرط لازم در تحقق نظم در حقوق دانست. هدف کارآمدی در هر صورت، تحقق بیشترین ثروت برای جامعه است و بر اساس قاعده، تعاملات ارادی افراد در جامعه بیشتر به این هدف نائل می‌شود (۲۹).

در بحث حاضر نیز چنانچه عایدی مورد انتظار صاحب کالای تجاری از اقامه دعوا در کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی از هزینه‌های دادرسی و سودی که انتظار دارد از اقامه دعوی به دست آورد کمتر باشد یا تفاوت قابل توجهی نداشته باشد، انتظار می‌رود که در غالب موارد از اقامه دعوا خودداری شود.

با این توصیف، کارآمدی در امور مالی کاملاً قابل قبول و اعمال‌شدنی است و در امور غیر مالی نیز تا جایی که با هدف و ماهیت قواعد ایجادشده در امور غیر مالی مغایرت نداشته باشد، اعمال‌شدنی است. اموری که دارای هر دو جنبه مالی و غیر مالی هستند، محل مناسب‌تری برای اعمال معیار کارآمدی به حساب می‌آیند (۲۶).

دادرسی دعاوی گمرکی نیز از این مبحث جدا نیست. روند دادخواهی از منطق اقتصادی برخوردار است، علی‌الخصوص دادخواهی دعاوی گمرکی که یکی از طرفین تاجر و صاحب کالای تجاری بوده و به طور قطع بر اساس عقلانیت اقتصادی تصمیم‌گیری می‌کند (۲۵).

با رویکرد جایگاه‌شناسی نظم در حقوق، می‌شود شرایط هر موضوع یا زمینه و وضعیت را که با هدف ایجاد جریان منطقی و کارآمد به وجود می‌آید، نظم نامید. بنابراین نظم می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... باشد، اما در تمامی زمینه‌ها می‌توان کارآمدی را حاکم دانست، زیرا براساس منطق حاکم بر آن که به دنبال حداکثرسازی ثروت است، می‌توان تمام شرایط و زمینه‌های حقوقی را قلمرو اعمال کارآمدی دانست. به همین علت فقدان کارآمدی در هر زمینه از حقوق، ضرورتاً به بی‌نظمی ختم می‌شود. بنابراین از جمله اهداف حقوق و قواعد آن که نظم می‌باشد را می‌توان محل تعریف مفهوم کارآمدی تعبیر یا تعریف کرد. از این رو می‌توانیم به صراحت بگوییم که نبود کارآمدی، قطعاً با بی‌نظمی همراه خواهد بود (۲۶).

آیین دادرسی مدنی یا عدالت مدنی مانند تمام علوم دیگر قطعاً بر پایه اصولی استوار گردیده است، هرچند بعضاً نمی‌توان اصول این علم را به موارد قابل شمارشی محدود کرد، اما سه رکن اصلی و مهم را می‌توان برای تشکیل آن به حساب آورد. عدالت مدنی هنگامی می‌تواند مدعی کارآمدی باشد که سه اصل صحت آرای دادرسی، هزینه دادرسی و زمان دادرسی را به طور هم‌زمان و درکنار هم داشته باشد و نبود یکی از این سه اصل و یا هماهنگ نبودن آن‌ها می‌تواند موجب ضعیف شدن این نهاد پراهمیت گردد (۲۵).

در این رابطه، بر اساس اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، دادگاه ملزم است روش‌های عادلانه و کارآمدی را به منظور ایراد به بی‌طرفی پیش‌بینی نماید. همچنین در این اصول با

اقتصادی - اخلاقی» شامل «اصل دسترسی» و «کارآمدی» دانست.

عدالت آیینی یا برابری اصحاب دعوی نزد قانون، از جمله اصول بنیادین قابل قبولی است که در حقوق دادرسی، برابری اصحاب دعوا در جریان دادرسی را تضمین نموده و اصطلاحاً «برابری آیینی طرفین دعوا» نامیده می‌شود. از جمله مصادیق برابری آیینی، عدم تبعیض بر اساس ملیت یا تابعیت است که در دادرسی اختلافات گمرکی نمود پیدا می‌نماید. همچنین بر اساس عدالت آیینی، مؤدی گمرکی باید بتواند در جریان دادرسی اختلافات گمرکی سخن گفته و ادله خود را ارائه دهد، مشارکت وی در روند دادرسی یا حل اختلافات گمرکی تضمین شود. همچنین اعضای کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی باید دادگر، بی‌طرف و مستقل باشند. بنابراین در دادرسی اختلافات گمرکی نیز رعایت عدالت آیینی از جمله مهم‌ترین مبانی است که لازم است مورد توجه مقنن قرار گیرد.

مرزبانی اقتصادی، اعمال حاکمیت دولت در اجرای مقررات گمرکی و الزامات فنی و تسهیل تجارت، حوزه‌ای تخصصی و با اهمیت بالا تلقی می‌شود که در سطح بین‌المللی، سازمان جهانی گمرک به عنوان یک مرجع بین‌المللی تخصصی را به خود اختصاص داده است. در سطح ملی نیز سازمان گمرک ایران متولی امور مربوطه می‌باشد و بر همین اساس، ضروری است که رسیدگی به اختلافات گمرکی، توسط افراد و مراجع تخصصی رسیدگی شود، چراکه هرگونه ضعف دانش و تخصص رسیدگی‌کنندگان به اختلافات گمرکی، ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد و ضمن اطاله دادرسی اختلافات گمرکی، زمینه سوءاستفاده توسط افرادی که به مقررات و دانش تخصصی گمرکی تسلط دارند را نیز فراهم آورد، لذا بند (س) ماده ۳ قانون امور گمرکی به صراحت، رسیدگی و حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای قانون امور گمرکی و مقررات گمرکی بین گمرک و صاحب کالا برابر

کیفیت دادرسی یکی از نشانه‌های حقوق شکلی است که مشروعیت دادرسی را در ضمانت کارآمدی آن تلقی می‌نماید. پیشرو بودن و توان حل اختلاف از جمله ویژگی‌های دادرسی کارآمد می‌باشد. این نوع دادرسی در مقام ارزیابی کیفی فرآیند حل اختلاف است. دادرسی کارآمد نه مفهومی مضیق از دادرسی را عرضه می‌کند و نه به اختلاف حقوقی نظر دارد، بلکه نگرشی پیشگیرانه جهت کنترل اختلاف بالقوه و احتمالی و تدافعی به دادرسی دارد. هدف کارآمد بودن دادرسی عدول از تک‌کارکردگرایی دادرسی و عقلانیت‌گرایی حداکثری آن است (۳۰).

با اینکه رفع خصومت از اهداف مهم آیین دادرسی مدنی است، اما هزینه‌های دادرسی نیز از جمله مواردی است که در تصمیم‌گیری افراد برای اقامه دعوا نقش دارد. علی‌الخصوص در امور گمرکی که عموماً افراد با هدف کسب سود مالی اقدام به واردات، صادرات یا ترانزیت کالا می‌کنند، لذا هزینه‌های مترتب بر دادرسی اختلاف گمرکی اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارند.

با این توصیف کارآمدی اختصاصی بودن رسیدگی به اختلافات گمرکی از جمله مهم‌ترین مبانی اقتصادی این روش از رسیدگی می‌باشد که با توجه به توضیحات بیان شده، قطعاً کارایی مطلوب‌تری را به دنبال خواهد داشت.

۶. نتیجه‌گیری

به تصریح مواد ۱۴۴ و ۱۴۶ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، مرجع رسیدگی به اختلافات گمرکی در تشخیص تعرفه، ارزش کالا، جریمه‌ها به غیر از موارد قاچاق گمرکی، قوه قهریه (فورس‌ماژور) و مقررات گمرکی، کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی هستند. مبانی دادرسی اختصاصی اختلافات گمرکی را می‌توان بر اساس دو معیار: ۱- «مبانی حقوقی - اخلاقی» شامل «عدالت آیینی»، «تخصص‌گرایی»؛ ۲- «مبانی

قوانین و مقررات مربوطه را از جمله وظایف و اختیارات گمرک ایران ذکر نموده است.

از طرف دیگر، اصل دسترسی به دادگستری و عدالت به عنوان یکی از شاخص‌های دادگستری کارآمد تلقی می‌شود و جلوه‌ای از دموکراسی آیینی است که یکی از ویژگی‌های آن، اصل دسترسی آسان به نظام دادرسی مدنی است. یکی از مصادیق اصل دسترسی را می‌توان «روش دسترسی» محسوب نمود؛ از جمله بر اساس بند «ح» ماده ۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، پیش‌بینی و فراهم‌نمودن زیرساخت‌های مورد نیاز برای اجرا و استقرار سامانه‌ها، رویه‌ها و روش‌های نوین، از جمله وظایف و اختیارات گمرک ج.ا.ا. برشمرده شده است. همچنین بر اساس ماده ۹ این قانون، گمرک موظف است که امکانات به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات را با رعایت قوانین تجارت الکترونیک و مدیریت خدمات کشوری در اجرای وظایف خود فراهم آورد؛ از آنجا که کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی فقط در ستاد گمرک ایران مستقر است و در گمرکات اجرایی شعبه ندارد، لذا در راستای اجرایی‌نمودن دادرسی الکترونیکی، امکان طرح و پیگیری موضوعات مرتبط با کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی و تبادل الکترونیکی اسناد از طریق تجهیزات الکترونیکی نیز یکی از مصادیق اصل دسترسی آسان به دادرسی اختلافات گمرکی است.

همچنین اختصاصی‌بودن دادرسی اختلافات گمرکی را از بعد اقتصادی بر مبنای اصل دسترسی آسان به مراجع قضای، می‌توان توجیه نمود، چراکه تجار و مراجعین به سازمان گمرک که از منظر اقتصادی، وقت و هزینه برای آن‌ها معنای خاص خود را دارد؛ در نگرش حساب‌گرانه، قطعاً وجود محاکم اداری رسیدگی به اختلافات گمرکی را مقرون به صرفه اقتصادی می‌دانند، ضمن اینکه از بعد کلان نیز این مهم می‌تواند آثار اقتصادی مثبتی به دنبال داشته باشد. مفهوم کارایی نیز در حقوق از جایگاه بنیادین برخوردار است که

تحقق ثروت بیشتر را به دنبال دارد. در دعاوی گمرکی نیز چنانچه عایدی مورد انتظار صاحب کالای تجاری از اقامه دعوی در کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی از هزینه‌های دادرسی و سودی که انتظار دارد از اقامه دعوی به دست آورد، کمتر باشد و یا تفاوت قابل توجهی نداشته باشد، انتظار می‌رود که در خیلی از مواقع از اقامه دعوا خودداری نماید.

هرچند که رفع خصومت از اهداف مهم آیین دادرسی مدنی است، اما هزینه‌های دادرسی نیز از جمله مواردی است که در تصمیم‌گیری افراد برای اقامه دعوی نقش دارد، خصوصاً در امور گمرکی که عموماً افراد با هدف کسب سود مالی اقدام به واردات، صادرات یا ترانزیت کالا می‌نمایند، لذا هزینه‌های مترتب بر دادرسی اختلافات گمرکی اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارند. با این اوصاف کارایی اختصاصی‌بودن رسیدگی به اختلافات گمرکی از جمله مهم‌ترین مبنای اقتصادی این شیوه از رسیدگی تلقی می‌شود.

۷. تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

در پژوهش حاضر، نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسؤول، نویسنده اول به عنوان همکار اصلی و نویسنده سوم به عنوان ناظر تحقیق می‌باشند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Rostami V, Khosravi A. Settlement of Customs Disputes and their Procedure in Iranian law. *Law Quarterly*. 2011; 41(4): 139-157. [Persian]
2. Beyranvand F. The procedure of National Courts in Confronting with international Soft law with Emphasis on International Humanitarian Law. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p.325. [Persian]
3. Hadavand M, Aghaie Towgh M. Special Administrative Courts in the Light of the Principles and Procedure of Fair Trial. Tehran: Khorsandi Publication; 2016. p.246. [Persian]
4. Jafari Nadoushan AA, Shirzad O. A Thinking on the structure and jurisdiction of Administrative Tribunals in Iran water law system. *Quarterly Journal of Administrative Law*. 2019; 6(18): 33-54. [Persian]
5. Shams A. Civil Procedure. Tehran: Darrak Publication; 2019. p.38-52. [Persian]
6. Mir Ahmadi F, Mojtahedi MR, Va'ez SM. A Study of the Theory of Constitutional Law in the Light of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Administrative Law*. 2019; 21: 257-283. [Persian]
7. Mousazadeh R. Administrative law. Tehran: Mizan Publication; 2015. p.280. [Persian]
8. Mohseni H. Procedural Justice: Some Observations on Civil Justice Theories. *Law Quarterly Journal of the Faculty of Law and Political Science University of Tehran*. 2008; 38(1): 286-308. [Persian]
9. Mackenzie C, Meyerson D, MacDermott T. Procedural Justice and Relational Theory: Empirical, Philosophical and Legal Perspectives. London: Taylor & Francis Group; 2020. p.114-124.
10. Mazerolle L, Sargeant E, Cherney A, Bennett S, Murphy K, Antrobus E. Procedural Justice and Legitimacy in Policing. London: Springer International Publishing; 2014. p.2-10.
11. Mohseni H, Ghamami M. Transnational Civil Procedure. Tehran: Sahami Enteshar Publication; 2013. p.62-63. [Persian]
12. Valizadeh M. The Legal Nature of the Warehouse Receipt. Tehran: Masir Daneshgah Publication; 2019. p.11. [Persian]
13. Röhl K, Machura S. Procedural Justice. London: Taylor & Francis Group Publication; 2020. p.74-83.
14. Miller M, Block L, Devault A. Problem-Solving Courts in United States and Around the World: History, Evaluation and Recommendations. In: Miller M, Bornstein B. *Advances in Psychology and Law*. London: Springer; 2020. p.301-372.
15. Partington M. Introduction to the English Legal System. Oxford: Oxford University Press; 2019. p.314-315.
16. Cohen M. Modern Political Campaigns: How Professionalism, Technology and Speed Have Revolutionized Elections. New York: Rowman & Littlefield Publishers; 2021. p.34-38.
17. Roumina E. The Effect of Specialization on Local Government Functions. *Geo Res*. 2016; 31(3): 54-94. [Persian]
18. Romão J. Variety Smart Specialization and Tourism Competitiveness. In: Romao J. *Tourism, Smart Specialization and Sustainable Development*. Basel: MDPI AG; 2021. p.1-14.
19. Habibi B. The Concept of the Principle of Access to justice, its Features and its Effects. *Journal of Legal Studies*. 2018; 10(1): 62-78. [Persian]
20. Clooney A, Webb P. The Right to a Fair Trial in International Law. Oxford: Oxford University Press; 2021. p.47-49.
21. Raaen N. Open and Transparent Judicial Records in the Digital Age: Applying Principles and Performance Measures. In: Gómez C, Hernández M. *Achieving Open Justice Through Citizen Participation and Transparency*. New York: IGI Global; 2017. p.16-35.
22. Stiner E. French law. Oxford: Oxford University Press; 2010. p.282.
23. Gramatikov M. A Handbook for Measuring the Costs and Quality of Access to Justice. Toronto: Maklu; 2010. p.68-70.
24. Mohseni, H. Access to justice and government's right of action. *Law Quarterly*. 2017; 47(3): 531-550. [Persian]
25. Pour Ostad M, Hesar khani F. Economic Analysis of the Costs of Civil Proceedings. *Iranian and International Comparative Law Research Quarterly*. 2015; 28(8): 57-69. [Persian]

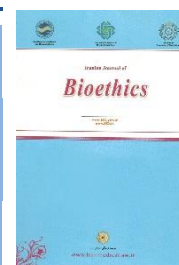
26. Badini H, Mehrad M. Economic Efficiency in Private Law; Theory and Instances. *Quarterly Journal of Private Law Studies*. 2017; 47(1): 32-49. [Persian]
27. Brandstedt E, Emmelin M. The concept of sustainable welfare. In: Koch M, Mont O. Sustainability and the Political Economy of Welfare. London: Taylor & Francis; 2016. p.15-28.
28. Bagheri M. Utilitarianism in Private International Law. *Mofid Legal Quarterly*. 2006; 12(2): 41-60. [Persian]
29. Venäläinen J, Eskelinen T, Hirvilammi T. Enacting Community Economies Within a Welfare State. London: May Fly Books Ephemera; 2020. p.74-91.
30. Almasi NA, Habibi Dargah B. Introduction to the Quality of Trial in an Efficient Trial Process. *Judicial Law Perspectives*. 2012; 17(58): 47-72. [Persian]



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e8

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v10i36.35330>



ORIGINAL RESEARCH

Basis Governing Customs Disputes in the Light of Legal, Ethical and Economic Principles

Masoud Valizadeh Falakdehi¹ , Behnam Habibi Darghah^{2*} , Abbas Pahlevanzadeh³

1. PhD Student, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 06 March 2021

Accepted: 30 June 2021

Published online: 02 September 2021

Keywords:

Procedural Justice

Special Proceedings

Customs Disputes

Customs Dispute Resolution Commissions

Specialization

ABSTRACT

Background and Aim: The customs system is responsible for enforcing the law in the implementation of customs laws and other laws and regulations related to the export, import and international transportation of goods, collection of customs duties and taxes, related taxes and work requirements and facilitating trade. The exercise of state sovereignty by the customs is the root of the conflicts between the person who owns the commercial goods on the one hand and the customs as the legislative-executive body on the other. The purpose of this study is to examine the principles governing customs disputes from the perspective of legal, ethical and economic principles.

Materials and Methods: This research is a theoretical research and the method is descriptive-analytical. The method of collecting information is in the form of a library, which is done by referring to the relevant documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The norms of the law world are moving towards specialization; That is why it is now necessary that in some special cases where the relationship between the subjects of the law is very technical and specific, dedicate special authorities to resolve disputes. The authorities concerned taking into account the substantive rules that have a high level of technique, specific rules and procedures are designed and presented, and judges, in addition to mastering legal principles and norms, have a relative scope on the technical aspects of the case.

Conclusion: The principles of special litigation of customs disputes can be considered based on two criteria: "legal-ethical principles" including: "procedural justice" and "specialization" and "economic-ethical principles" including: "principle of access" and "efficiency".

* Corresponding Author: Behnam Habibi Darghah

Address: Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Postal Box: 3149968111

Email: Drhabibi1361@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as: Valizadeh Falakdehi M, Habibi Darghah B, Pahlevanzadeh Z. Basis Governing Customs Disputes in the Light of Legal, Ethical and Economic Principles. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e8.